



در این شماره «سامان نو» چند سند مهم تاریخی درباره ی جنبش کارگری / سوسیالیستی ایران - در فرایند ده ساله ی ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ خورشیدی - تا پیش از غلبه بورکراسی در شوروی برای نخستین بار ترجمه، نگارش یا تجدید چاپ شده است.

## مانیفست کنگره خلق های مشرق زمین

برگردان: آوا مقدسی

ویراستار: باران راد

شده ارقام متفاوتی از تعداد و ترکیب شرکت کنندگان در کنگره باکو ارائه شده است.

باید خاطر نشان ساخت که معیار انتخابی برای حضور نمایندگان چندان روشن نبود. زیرا که گرایش هایی که علناً خود را ملی گرا و مذهبی می نامیدند نیز در کنگره مذکور نماینده داشتند؛ حتا سوسیالیست های حاضر از مفهوم کمونیسم انقلابی برداشت های گوناگونی داشتند. نکته مهم دیگر این بود که چون در تاریخ ۲۹ اوت کنگره اتحادیه های کارگری آذربایجان نیز در باکو برگزار شده بود، بسیاری از نمایندگان اتحادیه های کارگری نیز در «کنگره شرق» شرکت کردند. بیانیه زیر با اکثریت آرا در این کنگره به تصویب رسید.

\*\*\*

در اول سپتامبر ۱۹۲۰ کنگره نمایندگان خلق های مشرق زمین در شهر باکو پایتخت آذربایجان برگزار شد. این کنگره با حضور نمایندگانی از کشورهای ترکیه، ایران، مصر، هند، افغانستان، بلوچستان، کاشغر (۱)، چین، ژاپن، کره، عربستان، سوریه، فلسطین، بخارا، خیوه (۲)، داغستان، قفقاز شمالی، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکستان، فرغانه (۳)، منطقه خودمختار کالموک (۴)، جمهوری تاتار و مناطق خاور دور برگزار شد.

بین الملل کمونیست، کنگره خلق های مشرق را برگزار کرد. هر دهقان و رنجبری باید از ماهیت بین الملل کمونیست آگاه باشد. اجتماع کارگران و دهقانان کمونیست در سراسر جهان هدف خود را در هم شکستن قدرت و سلطه ثروت و در نتیجه برقراری کامل برابری میان همگان قرار داده است. دومین کنگره جهانی بین الملل کمونیست در

دو ماه ونیم پس از کنگره نخست حزب کمونیست ایران در ژوئن ۱۹۲۰ «کنگره شرق باکو» در سپتامبر ۱۹۲۰ برگزار شد. کنگره باکو گام مهمی بود برای اتحاد کارگران غرب با مردم ستم دیده ی مشرق زمین که بین الملل کمونیست طرح آن را ریخته بود. این کنگره در شهر باکو «آذربایجان سرخ» و در اواخر جنگ داخلی شوروی برگزار شد. زینویف (رئیس بین الملل کمونیست - کمینترن) ریاست این کنگره را به عهده داشت. حیدرخان عمواوغلی به نمایندگی از ایران و آقازاده به نمایندگی از افغانستان در هیئت رئیسه کنگره حضور داشتند. سوسیالیست های مشهوری مانند رادک (روسیه)، بلاکن (مجارستان)، روزمر (فرانسه)، مصطفی صبحی (ترکیه)، کولچ (بریتانیا)، جان رید (آمریکا)، اشتاین - گروبر (اتریش)، جانسن (هلند)، شابلین (فدراسیون بالکان)، یوشی هارو (ژاپن) عضو افتخاری هیئت رئیسه این کنگره بودند. مجموعاً ۱۸۹۱ نفر در این کنگره حضور داشتند که از این میان ۱۲۷۳ نفر خود را «کمونیست» می دانستند. تعداد نمایندگان ترکیه یی (۲۳۵ نفر)، ایرانی (۱۹۲ نفر)، ارمنی (۱۵۷ نفر) روس (۱۰۴ نفر)، گرجی (۱۰۰ نفر)، چچن (۸۲ نفر)، تاجیک (۶۱ نفر)، قرقیز (۴۷ نفر)، یهودی (۴۱ نفر)، ترکمن (۳۵ نفر) و... بودند. کل زنان شرکت کننده در این کنگره ۵۵ نفر بودند. البته این تنها آمار موجود نیست؛ براساس کتابی که در روسیه به سال ۱۹۶۱ - مولف جی ان سورکین - چاپ

اگوست ۱۹۲۰ و در مسکو با حضور نمایندگان کشورهای زیر برگزار شد: آمریکا، بریتانیا، فرانسه، استرالیا، ایتالیا، اسپانیا، لهستان، بوهم، یوگسلاوی، مجارستان، سوئیس، بلژیک، هلند، دانمارک، سوئد، نروژ، فنلاند، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، بلغارستان، ترکیه، ایران، هند، چین، ژاپن، کره، هندوچین، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، خیوه، بخارا، افغانستان، آرژانتین، روسیه، و اوکراین.

بین‌الملل کمونیست علاوه بر پایان دادن به سلطه ثروتمندان بر فقرا، سلطه برخی انسان‌ها بر برخی دیگر را نیز ملغا خواهد کرد. نیل به این مقصود تنها با اتحاد کارگران اروپا و آمریکا با کارگران و دیگر عناصر (۵) کارگری خلق‌های شرق میسر است.

کنگره خلق‌ها را به چنین اتحادی فرا می‌خواند که برای رهایی تمامی ستم‌کشیدگان و استثمارشدگان ضروری است.

خلق‌های مشرق! شش سال پیش از این کشتار عظیم و سبانه‌ای در اروپا رخ داد. طی جنگ جهانی ۳۵ میلیون نفر کشته شدند و صدها شهر بزرگ و هزاران مرکز جمعیتی دیگر ویرانه گشت، جنگی که کشورهای اروپایی را به تباهی کشاند و مردم اروپا را در معرض رنجی غریب و قحطی بی‌سابقه‌ای قرار داد.

این ستیز بزرگ تا به حال بیشتر اروپا را تحت تاثیر قرار داده است و تاثیر آن بر آسیا و آفریقا اندک بوده است. جنگ میان اروپاییان به وقوع پیوسته و شرق نقش اندکی در آن داشته است. صدها تن از هزاران دهقان ترک را حاکمان در خدمت منافع امپریالیستی آلمان فریفتند: سرمایه‌داران فرانسوی و بریتانیایی دو تا سه میلیون هندی و سیاهپوست را چون برده خریداری کردند و در اراضی فرانسه و در سرزمینی دور و ناشناخته به نیستی کشاندند، در خدمت منافی که برای آن‌ها بس بیگانه و غیرقابل درک بود، منافع بانکدارها و کارخانه‌داران بریتانیایی و فرانسوی.

با این حال کشورهای شرق از این ستیزه عظیم دور ماندند و خلق‌های شرق تنها نقش کم‌رنگی در آن ایفا کردند. ولی این جنگ نه تنها برای کشورهای اروپایی و نه تنها برای مردم و کشورهای غربی که برای کشورها و مردم شرق نیز بود. این جنگ نزاعی بود بر سر تقسیم جهان و به ویژه تقسیم آسیا. جنگی برای تعیین اینکه چه کسی بر شرق حکم براند و خلق‌های شرق برده که باشند. جنگی که تعیین می‌کرد سرمایه‌داران کجا، بریتانیا یا آلمان از کارگران و دهقانان ترکیه، ایران و مصر بهره‌کشی کنند.

چهارسال قتل و کشتار بی‌رحمانه با پیروزی فرانسه و بریتانیا به پایان رسید. سرمایه‌داران آلمانی شکست خوردند و متعاقب آن مردم آلمان نیز شکست خوردند، آلمان ویران شد و به سرنوشت شوم قحطی و گرسنگی دچار شد. فرانسه‌ی پیروز تقریباً تمام جمعیت بالغ خود را طی جنگ از دست داد، تمام مناطق صنعتی آن ویران شد و تمام توان خود را در جریان نبرد از دست داد و پس از پیروزی کاملاً ناتوان برجا ماند. در نتیجه این کشتار وسیع و سبانه، بریتانیای امپریالیست (۶) چون خورشید عالم‌تاب و قادر مطلق آسیا و اروپا پدیدار گشت. بریتانیا هنوز هم می‌تواند به تنهایی یکه تازی کند و با زحمت مردمی که به بندگی درآورده است - هندی‌ها و سیاهپوستان - و به خرج مستعمرات تحت ستم خویش، جنگی به پا کند.

فتح و سلطه بر نیمی از جهان، حکومت بریتانیا را به برپایی جنگ

تشویق کرد - جنگی برای استحکام چیرگی خود بر کشورهای آسیا و استثمار کامل و غایی همه خلق‌های مشرق زمین.

بی هیچ منعی و فارغ از هر ترسی، عده‌ای بانکدار-سرمایه‌دار آزمند که آمران دولت بریتانیا بودند، گستاخانه و بی‌شرمانه دهقانان و کارگران شرق را به بردگی کشانده‌اند.

خلق‌های شرق! می‌دانید که بریتانیا در هندوستان چه کرده است و چگونه میلیون‌ها تن دهقان و کارگر هندی را به حیوانات زبان‌بسته و بی‌حقوق بدل کرده است.

دهقان هندی ناچار است سهمی از محصول خود را به دولت بریتانیا پیشکش کند، آنچه برای خودش باقی می‌ماند بقایش را حتی برای چندماه تضمین نخواهد کرد. کارگر هندی ناچار است به ازای مبلغ ناچیزی در کارخانه سرمایه‌دار بریتانیایی کار کند. مبلغی که با آن حتی نمی‌تواند روزانه برنجی را که برای معاشش نیاز دارد تهیه کند. هر ساله میلیون‌ها هندی از گرسنگی جان می‌دهند و میلیون‌ها تن در جنگل‌ها و مرداب‌ها هلاک می‌شوند. جایی که برای ثروتمند کردن سرمایه‌داران بریتانیایی به کارهای سنگین گمارده می‌شوند. میلیون‌ها هندی که در سرزمین غنی و حاصلخیز خود حتی قادر نیستند تکه نانی به‌دست آورند، به ناچار به ارتش بریتانیا می‌پیوندند، از سر ناچاری سرزمین خود را ترک گفته و تا پایان عمر سرباز باقی می‌مانند، در جنگ‌های بی‌پایان در اقصی‌نقاط جهان جنگیده و سلطه ستمگرانه بریتانیا را گسترش می‌دهند. تا زمانی که هندی‌ها زندگی و خون خود را فدای انباشت سیری‌ناپذیر ثروت سرمایه‌داران بریتانیایی‌ها و تضمین سودهای هنگفت آن‌ها می‌کنند خود از هیچ حق انسانی برخوردار نخواهند بود: صاحب‌منصبان بریتانیایی که بر آنان حکم می‌رانند و فرزندان گستاخ بورژواهای بریتانیایی که لشکر هندیان آنان را فربه نموده، آن‌ها را حتی به دید بشر نمی‌نگرند.

یک هندی جرات ندارد با یک بریتانیایی پشت یک میز بنشیند، محله مشترکی داشته باشد، از واگن راه‌آهن مشترکی استفاده کند و به مدرسه مشترکی برود. از دید یک بورژوازی بریتانیایی هر هندی منفور (۷) است، یک برده، یک چهارپای باربر، یک حیوان که جرأت ندارد هیچ احساس و خواسته انسانی داشته باشد. به هر خواسته و هر بیان اعتراض‌آمیز هندی‌ها که قصد برهم‌زدن وضع موجود را داشته باشد بی‌رحمانه با گلوله پاسخ داده می‌شود. خیابان‌های شهرهایی که شوریده‌اند انباشته از جنازه صدها هندی است، و افسرهای بریتانیایی بازماندگان را وامی‌دارند تا برای سرگرمی روی شکم‌هایشان بزنند و کفش‌هایشان را بلیسند.

خلق‌های شرق! می‌دانید بریتانیا در ترکیه چه کرده است. بریتانیا به ازای سه‌چهارم آسیای صغیر - که تنها ترک‌های عثمانی آن را آباد کرده بودند - به انضمام تمام شهرهای صنعتی کشور که به تملک بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و یونان درآمد، به ترکیه صلح اعطا کرد. چیزی که از قلمرو ترکیه باقی ماند وجوهی بود که سنگینی پرداخت آن ترکیه عثمانی را به بدهکاران دائمی بریتانیا مبدل کرد.

زمانی که ملت ترکیه از پذیرش چنین صلحی که به نابودی‌اش می‌انجامید سر باز زد، بریتانیا قسطنطنیه شهر مقدس مسلمانان را به تصرف درآورد، پارلمان ترکیه را منحل ساخت، تمام رهبران مردمی را دستگیر کرد، بهترین آن‌ها را کشت و صدها تن دیگر را به جزایر مالت تبعید کرد - که در سیاه‌چاله‌های نمور و تاریک قلعه‌ای



زینویف، رادک و اعضای افتخاری هیات رئیسه کنگره باکو

قدیمی زندانی شدند - اکنون حاکمان بریتانیایی در قسطنطنیه بیتوته کرده‌اند؛ همه چیز ترک‌ها را از آنان ستاندند: بانک‌ها، پول، کارخانه‌ها، خطوط آهن، کشتی‌ها. همچنین تمام راه‌های دسترسی به آسیای صغیر را بستند در نتیجه ترک‌ها را که کارخانه‌های خود را نیز از دست داده بودند از دریافت کالا از اروپا محروم کردند. اکنون در سراسر آسیای صغیر هیچ مصالحی وجود ندارد، هیچ فلزی باقی نمانده است. دهقان ترک مجبور است بدون پیراهن کار کند و بدون خیش شخم بزند.

بریتانیا برای تصرف ولایت اسمیرنا (۸) ارتش یونان، برای فتح آدانا (۹) ارتش فرانسه و برای تصرف بروسا و از میر ارتش مستعمراتی را به میدان آورد. آنها ترک‌ها را از همه سو محاصره کرده و پی‌درپی به خاک ترکیه یورش می‌آوردند، و تلاش می‌کنند خلق ترک را که به واسطه دهه‌ها جنگ دایمی به نقد خانه خراب و در عذاب اند، به تمامی از پای در آورند.

در مناطقی که در گذشته به تصرف بریتانیا درآمده است تمسخر و توهین غیر قابل تحملی نسبت به مردم ترک به روش معمول بریتانیایی‌ها روا داشته می‌شود. در قسطنطنیه {استانبول} تمام مدارس و دانشگاه‌ها به سربازخانه‌های بریتانیا تبدیل شده و هرگونه فعالیت آموزشی متوقف شده است. بریتانیا همچنین همه روزنامه‌های ترک را تعطیل و تمام تشکل‌های کارگری را منحل کرد. زندان‌ها انباشته از ترک‌های میهن‌پرست است، ملت ترک اسیر قدرت غیرقابل کنترل پلیس بریتانیا است که در روز روشن در خیابان‌های قسطنطنیه و بی هیچ عذر و بهانه‌ای هر که را فنیه (۱۰) {کلاه قرمز منگوله دار} به سر داشت هدف گلوله قرار داد. از نظر بریتانیا هر کس کلاه قرمز منگوله دار به سر کند، هر کس ترک باشد، از نژاد پست است، یک منفور، یک برده، یک حیوان باربر است که چون سگ نیاز دارد تربیت شود.

در نواحی تحت اشغال، بریتانیایی‌ها ترک‌ها را مانند سگ وادار به کار می‌کنند، آن‌ها را به شدت آزار می‌دهند، می‌کوشند با حقه‌بازی و هر روش بی‌شرمانه‌ی ممکن از ترکیه کشوری مغلوب بسازند و به این ترتیب ترک‌ها را با قساوت به حیوانات حمالی که برای سرمایه‌داران بریتانیایی کار می‌کنند مبدل سازند.

خلق‌های شرق! می‌دانید بریتانیا در ایران چه کرده است؟ سرمایه‌داران بریتانیایی پس از درهم‌شکستن قیام دهقانان علیه شاه و زمین‌داران و قتل و دستگیری هزاران دهقان ایرانی، حاکمیت شاه و زمین‌داران را اعاده کردند و اراضی‌ای که کشاورزان با مبارزه علیه زمین‌داران به دست آورده بودند را از آن‌ها باز پس گرفتند. به این ترتیب دهقانان را بار دیگر به دوران ارباب-رعیتی (۱۱) بازگرداندند، آن‌ها دوباره رعیت و بردگانی بی‌جیره موجب برای «ملک‌دارها» شدند.

سپس سرمایه‌داران بریتانیایی با تطمیع دولت رشوه‌خوار شاه، در یک عهدنامه خیانت‌آمیز {۱۹۱۹ م} تمام ایران به انضمام مردم آن را جزئی از مایملک خود درآوردند. بریتانیا چنگال کثیف خود را بر ثروت ایران انداخته است. در تمام شهرهای ایران پادگان‌های نظامی خود را که مملو از سربازان فریب‌خورده و برده هندی است مستقر ساخته و با ایران علی‌رغم استقلال ظاهری آن مانند یک مستعمره و با مردم آن مانند بردگان رفتار می‌کند.

خلق‌های شرق! می‌دانید بریتانیا در بین‌النهرین {عراق} و عربستان چه کرده است؟ بدون هیچ دردسری کشورهای مستقل بین‌النهرین را مستعمره خود اعلام کرده و اعرابی را که هزاران سال در زمین‌های آن ساکن بودند بیرون رانده است؛ بهترین و حاصل‌خیزترین دره‌های دجله و فرات، بهترین اراضی کشاورزی که مردم برای بقا به آن نیاز داشتند از چنگ‌شان درآورده؛ غنی‌ترین میدان‌های نفتی موصل و بصره را تصاحب کرده و اعراب را از تمام ابزار زندگی بی‌بهره ساخته است. بریتانیا تلاش می‌کند اعراب را از طریق اشاعه فقر و گرسنگی برده و کارگر خود کند.

بریتانیا در فلسطین چه کرده است؟ در آنجا، ابتدا برای تامین منافع سرمایه‌داران یهودی-انگلیسی اعراب را از زمین‌هایشان اخراج کردند تا به مهاجران یهودی واگذار نمایند. سپس کوشید ناخشنودی اعراب را فروشانند؛ این کار آنها را علیه مهاجران یهودی برانگیخت. به این ترتیب ناسازگاری، خصومت و نفرت میان تمام جماعات، اعراب و یهودیان را به قدری ضعیف کرد که هیچ‌یک قادر نبودند حکومت و قوانین خود را داشته باشند.

بریتانیا در مصر چه کرده است؟ بومیان مصری هشت دهه است که از سنگینی یوغ سرمایه‌داران بریتانیایی می‌نالند. یوغی که از اهرام عظیم فراعنه بر گرده کارگران نیز سنگین تر است.

بریتانیا در چین چه کرده است؟ بریتانیا با همدستی امپریالیستی ژاپن، این کشور بزرگ را مستعمره خود ساخته و جمعیت ۳۰۰ میلیونی آن‌را به بند استثمار و افیون کشیده است. بریتانیا به کمک سربازان ژاپنی خروش انقلابی که در آن‌جا آغاز شده بود را با خشونت بی‌سابقه سرکوب کرد. همه حاکمانی را که مردم سرنگون کرده بودند دوباره به قدرت بازگرداند و با تمام قوا بر سر راه آزادی چین قرار گرفت و آن‌ها را چون گذشته زیر یوغ استبداد، ستم و فقر نگاه داشت تا به راحتی استثمارشان کند.

بریتانیا در کره، با آن سرزمین آباد و با فرهنگ هزاران ساله چه کرده است؟ بریتانیا کره را به امپریالیست‌های ژاپن تقدیم کرد تا آن را بدرند. آن‌ها اکنون با آتش و شمشیر کره‌ای‌ها را وادار به تسلیم در برابر سرمایه‌داران بریتانیایی و ژاپنی کرده‌اند.

بریتانیا در افغانستان چه کرده است؟ بریتانیا با روی کار آوردن حکومت امیر (۱۲) مردم را در انقیاد، فقر و جهالت زایدالوصفی نگه

مستبد و ستمگر از خان‌ها و ملاکین حمایت می‌کنند و در برابر هر جنبش انقلابی می‌ایستند تا خلق‌ها را به هر قیمتی در ستم و تباهی و نیاز و جهل نگه دارند.

ستم و تباهی، نیاز و جهل در خلق‌های مشرق منبع ثروت و غنای بریتانیای امپریالیست است.

خلق‌های شرق! غنی‌ترین، حاصل‌خیزترین و وسیع‌ترین اراضی در سراسر دنیا متعلق به شماست. این اراضی که گهواره تمدن بشری هستند نه تنها ساکنان خود، که جمعیت جهان را می‌توانند تغذیه کنند. اکنون، هر ساله ده‌میلیون دهقان و کارگر ترک، ایرانی و هندی از یافتن حتی تکه‌ای نان و یا شغل در اراضی وسیع و حاصلخیز خود عاجزند و ناگزیرند مهاجرت کنند تا معاش خود را در سرزمین‌های بیگانه تأمین کنند. آنها ناگزیرند، زیرا همه چیز سرزمینشان (زمین، پول، بانک‌ها، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها) به سرمایه‌داران بریتانیایی تعلق دارد.

تا به حال به اینگونه بوده است و حتی پیش از جنگ نیز چنین بوده است. زمانی بریتانیای امپریالیست در غارتگری با آلمان، روسیه و فرانسه رقابت می‌کرد. زمانی بریتانیا هنوز از ترس ضرب پنجه دیوهای رقیب بر سر طعمه در به چنگال کشیدن کشورهای شرق مردد بود. اما اکنون بریتانیا تمامی رقبای خود را در هم کوبیده و از صحنه خارج کرده است و قادر مطلق اروپا و آسیا شده است، سرمایه‌دارانی که بر آن کشور حکم می‌رانند عنان گسیخته‌اند؛ و بدون ترس و شرم دندان‌ها و چنگال‌های درنده خود را برای پیکر خون‌آلود خلق‌های شرق تیز می‌کنند.

سرمایه بریتانیایی در اروپا احساس قید و بند و محدودیت می‌کند؛ چون رشد کرده و نمی‌تواند جایی برای سرمایه‌گذاری بیابد؛ وانگهی کارگران اروپایی با آگاهی انقلابی تعلیم یافته‌اند و بردگان پدی شده‌اند. آن‌ها نمی‌خواهند برای هیچ کار کنند، آن‌ها مزد خوب می‌خواهند.

از آنجاکه سرمایه باید فضای تحرک (۱۳) داشته باشد، از آنجاکه باید سود خوب داشته باشد، از آنجاکه نباید کارگران اروپایی نفوذی داشته باشند و رشد انقلابی‌گری در آن‌ها باید متوقف کرد - به دلیل اینکه تطمیع لایه‌ی رهبری توده‌های کارگری امکان‌پذیر است - سرمایه بریتانیایی به اراضی جدید و کارگران جدید نیاز دارد. کارگرانی که بردگانی فاقد حقوق مدنی باشند.

و سرمایه‌داران بریتانیایی تصور می‌کنند این اراضی جدید را در میان کشورهای شرق و این کارگربرده‌های بی‌صدا و بی‌حقوق را در میان خلق‌های شرق می‌توانند بیابند.



پوستر تماشایی دمیتری مور از جنگ داخلی ۱۹۱۹. در این پوستر از تمامی خلق‌های محروم خواسته شده تا در زیر پرچم سرخ متحد شوند. در این پوستر به جای داس و چکش، ستاره و هلال ماه دیده می‌شود. متن کامل شعار زیر پوستر:

ای رفیق مسلمان! زیر پرچم سبز پیامبر برای دفاع از سرزمین ات مبارزه کن. و همچنین در برابر دشمنان خلق. اکنون زیر پرچم انقلاب کارگران و دهقانان، به زیر ستاره ی ارتش تمامی خلق کارگر محروم از شرق و غرب، از شمال و جنوب متحد شو. رفیقان سوار شوید! پیش بسوی آگاهی!

به خصومت با خلق آذربایجان و روسیه که توانسته‌اند خود را از زیر یوغ بورژوازی برهاند، تحریک می‌کند.

بریتانیای امپریالیست حتی در ترکستان، خیوه، بخارا، آذربایجان، داغستان و قفقاز شمالی نفوذ کرده است. عاملان آن مثل تیر همه جا نفوذ می‌کنند. ثروت بریتانیا که از خون و عرق خلق‌های تحت ستم حاصل شده را رشوه می‌دهند. این عاملان همه‌جا از همه حاکمان

داشته و می‌کوشد این کشور را به بیابانی تبدیل کند به این امید که این بیابان، هند - که تحت ستم بریتانیاست - را از هرگونه هجوم خارجی حفظ کند.

بریتانیا با ارمنستان و گرجستان چه کرده است؟ در آنجا بریتانیا با استفاده از ثروت خود حکومت‌های نفرت انگیز داشناک {سازمان ناسیونالیستی «فدراسیون انقلابی ارمنستان»} و منشویک را خریده تا توده‌های دهقان و کارگر را تحت سلطه خود نگه دارد. حکومت‌هایی که مردم خود را با ستم و ارعاب کنترل کرده و آنها را

سرمایه‌داران بریتانیایی در تلاشند که ترکیه، ایران، بین‌النهرین و عربستان، افغانستان و مصر را به چنگ آورند. این سرمایه‌داران با خرید تمام مایملک این دهقانان بدهکار و بدبخت با وجوهی ناچیز، دهقانان را از اراضی‌شان بیرون می‌رانند، و در مزارع و املاک عظیم گرد می‌آورند، سپس از روستاییان بی‌زمین (۱۴) چون برده-کارگر کار می‌کشند. آن‌ها می‌خواهند از کار ارزان زحمتکش‌ان گرسنه ترکیه، ایران، بین‌النهرین برای ساختن کارخانه‌ها، خط‌آهن و معادن بهره‌برداری کنند. آن‌ها می‌خواهند با محصولات ارزان قیمت تولید شده در صنایع کارخانه‌ای خود که شهرهای شرق را پر کرده‌اند، صنایع دستی و میلیون‌ها صنعتگر محلی را نابود سازند و بساط آن‌ها را جمع کنند. آن‌ها می‌خواهند با ایجاد شرکت‌های عظیم تجاری، تاجران محلی خرده‌پا را از دور خارج کرده و به صف پرولتاریا وارد کنند؛ کسانی که تنها نیروی کاری برای فروش دارند. سرمایه‌داران بریتانیایی می‌خواهند خلق‌های شرق را به طور کامل پرولتاریزه کنند تا با تباہ کردن فعالیت اقتصادی دهقانان، صنعتگران و تاجران آن‌ها را وادار سازند که همچون برده‌ای گرسنه در مزارع، کارخانه‌ها و معادن آن‌ها کار کنند. سپس سلامتشان را نیز از آن‌ها می‌ستانند؛ کار خارج از توان و گرسنگی دادن تا سرحد مرگ، و برای مزدی ناچیز خون و عرق کارگران را می‌چلانند. عرق کارگران و خون دهقانان به ارزش اضافه، سود و طلای ناب بدل می‌شود! این آینده‌ای است که بریتانیای امپریالیست برای خلق‌های شرق خواب دیده است.

بریتانیا با جمعیتی حدود ۴۰ میلیون نفر که تنها یک چهلیم آن‌ها را غارتگران و استثمارگران تشکیل می‌دهند - حال آن که ۳۹ میلیون نفر باقی‌مانده کارگران و کشاورزان ستم‌کش و استثمار شده هستند - می‌خواهد به نیمی از دنیا حکومت کند و ۸۰۰ میلیون خلق شرق را در اسارت خود نگاه‌دارد. یک سرمایه‌دار بورژوازی بریتانیایی ۳۹ کارگر بریتانیایی را علاوه بر ۲۰۰۰ کارگر و دهقان در ترکیه، ایران، بین‌النهرین و مصر، وادار به کار ساخته است. بنابراین ۲۰۴۰ نفر خلق گرسنه و رنج دیده از لذت تمام چیزهای خوب زندگی محروم‌اند و تمام زندگی خود را برای یک فرد انگل بی‌کار کار می‌کنند: یک سرمایه‌دار انگلیسی.

یک میلیون بهره‌کش، بانکدار و کارخانه‌دار انگلیسی می‌خواهند ۸۰۰ میلیون خلق مشرق زمین تنها برده‌ی آنان باشند و باید گفت به خوبی می‌دانند چگونه به هدف خود برسند. آن‌ها نه شرم دارند نه وجدان و نه ترس؛ آن‌ها چیزی جز طمع رام‌نشدنی و عطشی بی‌انتها به سود ندارند. تباہی، گرسنگی، خون و رنج و ناله هشتصد میلیون انسان برای آن‌ها معنایی ندارد. تنها مسئله سود است و تنها چیزی که به حساب می‌آید کسب سود است! و در پی این سود و منفعت امپریالیست‌های بریتانیایی چنگال خود را سرسختانه بر گلوئی خلق‌های شرق می‌فشرند و آینده‌ای تاریک برایشان رقم خواهند زد. آینده‌ای به غایت حاکی از تباہی، و برده‌وار تا ابد، بی‌حقوق، تحت ستم و استثمار و وصف ناشدنی - این است آنچه که در انتظار خلق‌های شرق است؛ اگر دولت کنونی بریتانیا در قدرت بماند، اگر امپریالیسم بریتانیا قدرت خود را حفظ کند و سلطه‌اش را بر کشورهای مشرق زمین تثبیت سازد. مشتی بانکدار فرومایه بریتانیایی حریصانه صدها میلیون دهقان و کارگر شرق را

می‌بلعند.

در مواجهه با سرمایه‌داران بریتانیایی و حاکمان امپریالیست بریتانیا، قدرت سازماندهی شده کارگران و دهقانان شرق در حال عروج است. با گرد آمدن به زیر پرچم سرخ انترناسیونال کمونیست، زیر پرچم سرخ اتحاد کارگران انقلابی، که هدف شان رهایی جهان و نوع بشر از تمام اشکال استثمار و ستمکشی است.

نخستین کنگره نمایندگان خلق‌های شرق با صدای رسا به تمام جهانیان و به حاکمان سرمایه‌دار بریتانیا اعلام می‌کند: این اتفاق نخواهد افتاد. شما سگ‌ها خلق‌های شرق را نخواهید بلعید، شما مشتی ستمکار حقیر قادر نخواهید شد تا ابد صدها میلیون دهقان شرق را به بردگان خود تبدیل کنید. این لقمه بزرگی است، بزرگ‌تر از آن که بتوانید بجوید، و خفه‌تان خواهد کرد!

خلق‌های شرق زمان مدیدی در تاریکی جهل زیر یوغ مستبدانه حاکمان ظالم و کشورگشایان سرمایه‌دار خارجی مسخ شده‌اند، ولی خروش پیکار جهانی و تندر انقلابی کارگران روسیه، که خلق‌های روسیه را از زنجیر قرن‌ها بردگی سرمایه رها کنید، آن‌ها را بیدار کرد و اکنون از خواب قرن‌ها بیدار شده‌اند و روی پای خویش ایستاده‌اند. آن‌ها بیدار شده‌اند و ندایی به جنگی مقدس فرایشان می‌خواند، به غزوه (۱۵). و این ندای ماست! این ندای نخستین کنگره نمایندگان خلق‌های شرق، متحد با پرولتاریای انقلابی غرب زیر پرچم انترناسیونال کمونیست است. بنابراین ما - نمایندگان توده‌های رنجبر خلق‌های شرق: هند، ترکیه، ایران، مصر، افغانستان، بلوچستان، کشمیر، چین، هندوچین، ژاپن، کره، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، داغستان، قفقاز شمالی، عربستان، بین‌النهرین، سوریه، فلسطین، خیوا، بخارا، ترکستان، فرغانه (۱۶)، تاتاریا (۱۷)، باشکریا (۱۸)، قرقیزستان و ... در اتحاد ناگسستنی میان خود و کارگران انقلابی غرب - خلق خود را به جنگی مقدس فرامی‌خوانیم. ما می‌گوییم:

خلق‌های شرق! شما بارها از سوی حکمرانان‌تان به جنگ مقدس دعوت شده‌اید، و زیر بیرق سبز پیامبر رژه رفته‌اید؛ اما تمام آن جنگ‌های مقدس فریبی بودند تنها در خدمت منافع حاکمان خودخواه‌تان؛ شما کارگران و دهقانان پس از این جنگ‌ها همچنان در بردگی و فقر باقی مانده‌اید. شما خوبی‌های زندگی را برای دیگران فتح کرده‌اید، چیزهایی که خود هیچ‌گاه از هیچ کدامشان محظوظ نشده‌اید.

اکنون ما شما را به نخستین جنگ مقدس فرامی‌خوانیم، زیر پرچم انترناسیونال کمونیست. ما شما را به جنگی مقدس برای رفاه خود، برای آزادی خود و برای زندگی خود فرامی‌خوانیم!

بریتانیا آخرین امپریالیست قدرتمند و غارتگر باقی‌مانده در اروپا، بال‌های شوم خود را بر فراز کشورهای مسلمان شرق گسترانیده و می‌کوشد خلق‌های شرق را برده و غنیمت جنگی خود کند. بردگی! بردگی دهشتناک، تباہی، ستم و استثمار چیزیست که بریتانیا برای خلق‌های شرق به ارمغان می‌آورد. خلق‌های شرق! خود را نجات دهید.

در برابر این حیوان شکارچی به پا خیزید! مانند مردی در یک «جنگ مقدس»، علیه کشورگشایان بریتانیایی به پیش تازید! به پا خیزید، کارگران هندی فرسوده از گرسنگی و کار طاقت فرسا! به پا خیزید، روستاییان فلات اناتولی که زیر بار مالیات و نزول له شده‌اید، به



## آزادی مطبوعات در ایران

رضا خان - از تیمورتاش می پرسد؛  
روزنامه ی ستاره سرخ پیکار این ها چه چیز است؟  
این همه پول و مخارج گزافی که من برای پلیس نظمیه تأمینات قشون  
سانسور متحمل می شوم آیا این است نتیجه ی آن ها؟  
تیمورتاش - اعلیحضرتا به تاج و تخت شاهنشاهی قسم است که من تا  
امروز ذره ای از خدمت و جان نثاری در راه حفظ و شرافت آن تاجدار  
دریغ و مضایقه نکرده ام. امر اکید به تمام ادارات حکومتی نموده ام که  
از نشر این مطبوعات مضر جلوگیری کنند.  
رضا خان - اگر این طور است پس چرا تاکنون منتشر می شوند؟  
تیمورتاش - اعلیحضرتا ما تقصیر نداریم این در برلن چاپ شده و مخفی  
در ایران منتشر می شود.  
رضاخان - یعنی چه مگر برلن از تحت اختیار ما خارج است  
البته فوراً حکمی صادر شود که از این ها جلوگیری نمایند  
تیمورتاش - اطاعت می شود فوراً به سفارت برلن امر می شود که از  
انتشار آن ها جلوگیری شود.

### فرار ۱۳۱ نفر از محبوسین سیاسی تهران

به قراری که جرائد ایران خبر دادند در روز ۱۹ اسفند ماه عده ای از  
محبوسین قصر قجر بغتته محافظین محبس را خلع سلاح نموده فرار  
نمودند.  
جرائد ایران خبر را که در تهران سر زبان بود ۲ روز تمام از ترس و  
واهمه انتشار ندادند بعدها دیدند که تمام شهر مسبوق شد، و آن ها  
هیچ اطلاعی نداده اند محض رفع رسوایی ۳ روز بعد خبر منتشر  
نمودند. تازه برای خلط مبحث فراریان را جزء مقصرین جنائی قلمداد  
نمودند. به طوری که اطلاع داریم عده ی فراریان ۱۳۱ نفر است که  
تمام آن ها بلا استثناء محبوسین سیاسی هستند.  
زنده باد جمهوری انقلابی

## پیکار - شماره ۱۲ - سال اول - برلن ۱۹۳۱

### وطن خواهی رجال امروزه و مناسبات آن ها با کارگران

رفیق محترم مدیر "پیکار" من یک نفر از قارئین روزنامه ی "پیکار" و از  
کارگران تبعید شده ی کمپانی نفت جنوب می باشم که فعلاً در تهران  
مقیم هستم. همه روزه جرائد تهران را خواهی نخواهی می خوانم. هیچ  
کدام نیست که دم از وطن پرستی رجال امروزه زنند و صفحات خود  
را به تعریف و تمجید آن ها زینت ندهد.  
ولی در مقابل این گونه تعریفات لازم دیدم که چند سطری از وضعیت  
خودمان برای درج در آن روزنامه بنویسم.  
ما ۳۰ نفر کارگر نفت از اهل آبادان هستیم که از راه خرم آباد پای  
پیاده از طرف ۱۸۰ نفر کارگر برای تظلم و دادخواهی از شر تعدیات  
کمپانی به دربار تهران آمده ایم ابتدا به اداره ی مرکزی کمپانی مراجعه  
نموده مطالبات خود را به شرح ذیل اظهار نمودیم.  
اول آن که مبلغی را که همه ماهه از اجرت کارگران به عنوان "ذخیره"

پا خیزید. رعیت های ایرانی که ملک دارها گلویتان را می فشردند، به  
پا خیزید، رنجبران ارمنی که به تپه های لم یزرع رانده شده اید! به  
پا خیزید، اعراب و افغانه ای که در بیابان ها ناپیدا و از دنیای جدید  
جدا مانده اید! به پا خیزید، و در برابر دشمن مشترک نبرد کنید، در  
برابر بریتانیای امپریالیست.

موج های بلند پرچم جنگ مقدس ... این جنگی است مقدس برای  
رهایی خلق های شرق، برای پایان بخشیدن به تقسیم بشر به ستمکار  
و ستمکش، برای بهترین زندگی برای همه خلق ها و نژادها، از هر  
زبان و رنگ و مذهبی که به ان اعتقاد دارند.  
به جنگ مقدس بپیوندید برای پایان دادن به تقسیم کشورها به  
پیشرفته و عقب مانده، مستقل و وابسته، متروپلیتن و مستعمره!  
به جنگ مقدس بپیوندید، برای رهایی نوع بشر از زیر یوغ بردگی  
سرمایه داران و امپریالیست ها، برای پایان دادن به تمام اشکال  
ستمکاری فردی به دیگری، و تمام اشکال استثمار انسان بدست  
انسان!

به جنگ مقدس بپیوندید، در برابر آخرین دژ سرمایه داری و  
استعمارطلبی در اروپا، در برابر آشیانه دزدان دریایی و راهزنان، در  
برابر ستمکار پیر تمام خلق های شرق، در برابر بریتانیا!  
برای آزادی، استقلال و خوشنودی تمام خلق های شرق، میلیون ها  
کارگر و دهقان که به بردگی بریتانیا درآمده اند.  
خلق های شرق! در این جنگ مقدس کارگران انقلابی و دهقانان  
ستم دیده شرق با شما همراه خواهند بود. به یاریتان خواهند آمد،  
همراه شما نبرد خواهند کرد و همراه شما خواهند مرد.  
این نخستین کنگره نمایندگان خلق های مشرق زمین است که  
به شما می گوید. زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان شرق و غرب.  
اتحاد رنجبران، اتحاد ستم دیدگان و استثمارشدگان. زنده باد دفتر  
فرماندهی نبرد (۱۹) این جنبش متحد - انترناسیونال کمونیست!  
جنگ مقدس خلق های شرق و رنجبران سرتاسر جهان در مقابل  
استعمار بریتانیا شعله ای است خاموش ناشدنی!

پانوش

۱- Kashgar

۲- Khiva

۳- Ferghana

۴- kalmuck autonomous region

۵- elements

۶- Imperialist Britain

۷- Pariah طبقه پست در هندوستان

۸- Vilayat of Smyrna

۹- Adana

۱۰- Fez کلاه قرمز منگوله دار

۱۱- Serfdom

۱۲- Emir

۱۳- Elbow-room

۱۴- landlessness

۱۵- Ghazavat

۱۶- Ferghana

۱۷- Tataria

۱۸- Bashkiria

۱۹- Headquarters

برداشته اند به ما مسترد دارند.

دوم آن که اجرت ۳ ماهی که کمپانی بدون هیچ مجوز قانونی ما را حبس کرده به ما بدهد.

سوم آن که به ما اجازه ی مراجعت به اوطان خود بدهد.

نماینده ی کمپانی گفت که به کمپانی مرکزی مطالب و درخواست های شما را گفته و جواب می دهیم. بعد از چند روز که مجدداً مراجعه کردیم جواب کمپانی این بود که آن پولی که شما حق گرفتن داشتید ما به توسط سرتیپ فرج اله خان برای شما دادیم و دیگر شما برای "ذخیره" پولی نزد کمپانی ندارید. اما راجع به پرداخت ۳ ماه اجرت مدت حبس شما این هم مربوط به ما نیست زیرا ما شما را حبس نکردیم بروید از حکومت ایران طلب نمائید و همچنین راجع به مرجعیت خودتان نیز با حکومت مذاکره کنید آن هم به ما ربطی ندارد.

ما تمام مذاکرات خود را با کمپانی به توسط جراید اشاعه دادیم و از وزارت داخله درخواست نمودیم که پول های ما را از سرتیپ گرفته و ما را اجازه داده به اوطان خود مراجعت کنیم. بعد از چند روز سرگردانی وزارت داخله ما را راهنمایی کرد که به وزارت فواید عامه مراجعه کنیم. پس از چند روز معطلی آن هم نتیجه ای نگرفتیم و تصمیم گرفتیم که با شخص وزیر ملاقات کنیم. بالاخره یک روز جلوی وزارت خانه اتومبیل وزیر فواید عامه را دیده و حضرت اشرف را گیر آوردیم. بعد از استماع مطالب ما گفت که این کار شما به من مربوط نیست باید به شخص تیمورتاش مراجعه نمائید.

ما ابتدا به تیمورتاش مراجعه کرده و ضمناً به توسط عریضه تمام مطالب و درخواست های خودمان را به شخص رضا خان نوشتیم. به ما گفتند که بعد از چند روز نتیجه را به شما اطلاع می دهیم و ما با یک وضعیت زندگانی بدی به درخواست های خود اصرار می ورزیدیم.

یک روز نزد دشتی مدیر محترم شفق رفته و کلیه ی مطالب را به او گفتم. ابتدا او تمام عرایض ما را در روزنامه ی خود درج کرد. فردای آن روز از طرف وزارت دربار و کمپانی نفت به او تعرض شد که چرا این کار را کرده و دیگر او هم به ما اعتنائی نمود. ضمناً چنان چه بعدها معلوم شد دشتی انتشار مقالات ما را وسیله قرار داده و از کمپانی استفاده ی شایان نمود.

بعد از این که از همه ی این ها مأیوس شدیم تصمیم گرفتیم که به مجلس متظلم شویم. پس از آن نزد نماینده ی خوزستان (میرزا حسین موقر) رفته او هم قول داد که همه نوع مساعدت را در مجلس به ما بکند و در همین ضن با فیروزآبادی هم ملاقات کردیم. فیروزآبادی اظهار کرد که درست است که شما می خواهید به مجلس متظلم شوید ولی مجلس این دوره غیر از مجلس ادوار گذشته می باشد. کارها در تصمیمات این مجلس همه بسته به اجازه و نظریات وزیر دربار است و در هیچ کاری بدون اجازه ی او مجلس نمی تواند مداخله نماید.

ولی در هر حال مشارالبه برای ما چند عدد بلیط ورود به مجلس تهیه کرده و در اواخر سال ۱۳۰۸ داخل مجلس شده و تظلم خود را به رئیس مجلس اظهار کردیم.

دادگر رئیس مجلس اظهار کرد که کار شما به کمیسیون محول شده و در آن جا حل می شود. بعد از یک هفته مجدداً به فیروزآبادی مراجعه کردیم. فیروزآبادی به مخبرالسلطنه مکتوبی نوشت و در مکتوب خود اشاره کرد که این کارگران در این جا در همه جا بر ضد دولت و انگلیس ها پروپاگاندا می نماید و از ۳ نقطه نظر سیاست لازم است که آن ها هر چه زودتر به رضایت آن ها خاتمه داده و آن ها را به محل های خود روانه نمائید.

این عریضه را در وقتی که مخبرالسلطنه می خواست سوار شده و به وزارت خانه برود به او دادیم پس از خواندن مکتوب گفت که شما تبعه ی کدام دولت هستید؟ گفتیم ما از آبادان هستیم و تصور می کنیم آبادان ایران و جزء مملکت ایران محسوب می شود. مجدداً سؤال کرد چه سندی دارید برای تبعیت خود که ما را این قدر اذیت می نمائید. فوراً ما همگی سجل احوال خود را ارائه دادیم و دستور داد منشی خود اسامی ما را نوشت و مجدداً ما را به وزارت فواید عامه روانه نمود. بعد از این ما تصمیم گرفتیم که به چند دسته شده و هر دسته به محلی رفتیم و یک دسته هم به اداره ی روزنامه ی "حصار عدل" رفته و مقاله ای که حاوی تمام مطالب جاریه بود به او دادیم.

مخبر روزنامه ی مزبور قول داد که فردا مقاله ی خود را چاپ خواهیم کرد. فردای آن روز مقاله ی خود را در روزنامه ندیدیم. به اداره ی روزنامه مراجعه کردیم گفتند متأسفانه مأمور سانسور اجازه نداده مقاله ی شما چاپ شود. معلوم شد که مدیر روزنامه نزد رئیس کمپانی رفته و چند صد تومانی رشوه گرفته و قول داده که مقاله ی ما را چاپ نکند. بعد از آن جا نزد امیر جاهد مدیر تقویم پارس رفته. او قول داد که امروز عصر جشن مطبوعات است و تمام وزراء خواهند بود و عرایض شما را به سمع وزراء می رسانم و امیدوارم نتیجه بگیریم. در این روز امیر جاهد عریضه ی ما را نزد هیئت دولت قرائت کرد و در آن جا گفتند که این کار را به رئیس الوزراء محول می کنیم و او هم قول داد که مسئله ی ما را حل نماید.

روز دیگر ما توسط مکتوب امیر جاهد به مخبرالسلطنه مراجعه کردیم. مخبرالسلطنه در حاشیه ی مکتوب امیر جاهد نوشت:

عزیزم امیر جاهد آن چه تحقیق شده این ها بر علیه کمپانی قیام و اعتصاب کرده ند و ما نمی توانیم در کارهای کمپانی نفت مداخله نمائیم. غیر از این که ما به طور خواهش از کمپانی تقاضا کنیم که از سر تقصیرات آن ها در گذشته و آن ها را اجازه ی عودت به اوطان خودشان بدهد.

امیر جاهد وقتی که جواب را خواند نمی دانست به ما چه جواب بدهد و ما به او گفتیم که وقتی رئیس الوزراء چنین چیزی را بنویسد باید تصدیق کرد که از چنین رژیمی ما نتیجه نخواهیم گرفت مجدداً قطع کردیم که تیمورتاش را ملاقات کرده از او جواب قطعی بگیریم. که یک روز جلو اتومبیل او را گرفتیم و بعداً مطالبه ی جواب عرایض خود را کردیم.

تیمورتاش از این کار ما خیلی عصبانی و غضبناک شده و گفت شما بیهوده از یکی به دیگری مراجعه می کنید. اگر گرسنه هستید بمیرید. من دیگر هیچ وقت به عرایض شما گوش نخواهم کرد در این وقت ما فهمیدیم که حاکم حقیقی و واقعی در ایران کمپانی نفت جنوب است زیرا ما را به امر کمپانی حبس و تبعید کرده و دیگر نمی تواند بدون اجازه ی کمپانی مرا و رفقای مرا آزاد نماید.

پس باید گفت که تمام این اظهارات وطن خواهی آقایان یک شاهی قیمت ندارد و مملکتی که معروف ترین اجنبی پرست ها، وزاء و زمامداران آن محسوب می باشد، نمی توان امیدواری به چنین رژیم داشت و به وسیله ی اسلحه می شود به عرایض خود رسید نه توسط مکتوب.

این قضیه یک درس عبرتی است برای کارگران ایران که امپریالیزم انگلیس و حکومت امروز ایران متحداً بر علیه کارگران و دهاقین مبارزه می کنند.

**کارگران نفت جنوب**

